



توصیه های مرحوم حاج آقا دولابی برای ماه مبارک رمضان

صیام العارفین و روزه داری عارفانه لذاتی بی شمار دارد. یکی از عرفای نامدار عارف بالله و سالک واصل مرحوم حاج اسماعیل دولابی قدس الله سره القدوسی بود که بیان والا و سخنان زیبا و عمیق و نکته سنجی هایش شیرینی خاصی داشت و دارد.

صیام العارفین و روزه داری عارفانه لذاتی بی شمار دارد. یکی از عرفای نامدار عارف بالله و سالک واصل مرحوم حاج اسماعیل دولابی قدس الله سره القدوسی بود که بیان والا و سخنان زیبا و عمیق و نکته سنجی هایش شیرینی خاصی داشت و دارد. ایشان توصیه‌هایی برای درک لحظات ویژه ماه مبارک رمضان دارد که بخشی از آنها را با هم مرور می‌کنیم.

شب‌های ماه رمضان است، اغلب شما جوان هستید. وضو بگیرید. نماز بخوانید. کم حرف بزنید. کم قصه بگویید. این چیزهایی که در تلویزیون نشان می‌دهند برای تفریح است یا برای بچه‌ها. شما که روزه دارید کمتر این و آن را گوش دهید. کمی به کارهایتان برسید. نیم ساعت یا یک ساعت بعد از نماز در سجاده بنشینید و خدا را یاد کنید. افطار که کردید، بدنتان که آرام گرفت، به دعایی، به ثنایی یک دقیقه خدا را یاد کنید. با خودتان خلوت کنید. به قرآن نگاه کنید. با اینکه اصلا ساکت بنشینید. این خیلی قیمتی است.

آدم افطار حقیقی را با خدا می‌کند. افطار حقیقی که خوردن نیست. ابعث حیا، آن افطار است. نماز پیامبر(ص) است. روزه علی(ع) است. افطار خداست. از افطار بالاتر هم چیزی نیست.

علی(ع) روزه است؛ یعنی هر که علی(ع) را قبول کند در دنیا کم حرف می‌زند، آلوده نمی‌شود.

ذکر دنیا را کم می‌کند ادعایش از بین می‌رود. هر که پیغمبر را نگاه کند نماز خوانده است.

ذکر خدا می‌گوید، دعا می‌کند، صلوات می‌فرستد. همینطور می‌آید جلو تا خدا را ملاقات می‌کند و می‌گوید

اشهد، خدا را دیدم. اشهد ان لا اله الا الله می‌گوید و بالا می‌رود.

نگویمت که همه ساله می‌پرستی کن سه ماه "می" خور و نه ماه پارسا باش

تفسیر این بیت حافظ این است که سه ماه رجب و شعبان و رمضان فصول اهل محبت است.

سه ماه کافی است تا نه ماه دیگر را شراب صافی: یامن یکفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء، اکفی ما اهمنی من امر الدنيا و الآخرة

آنچه نادیدنی است برایت به تماشا بگذارد. اولیای خدا چه چیزی برداشت کردند که وقتی به این ماه می‌رسیدند

مثال بارز و اشتاق الی قریب فی المشتاقین بودند. بی شک به خدا اطمینان داشتند و در هر حال رضا بودند.

آدم‌ها برایشان فرقی نمی‌کرد و همه را به دید الهی می‌دیدند. مریضی و بی‌پولی و مرگ و غم و غصه

و حتی شادیهایی برای آنها نشانه است از سلطان السلاطین. چرا ما به خدا اعتماد و اتکا نمی‌کنیم

در صورتی که می‌دانیم کسی ما را اندازه او دوست ندارد و به فکر ما نیست و توکل بر غیر او خسران دنیا و عباست.

"خاب الوافدون علی غیرک و خسر المتعرضون الا لک" یک راهنمایی برای آنهایی که دلشان در حال تپش است

عارف فانی سید هاشم حداد (ره) می فرمایند: همت عالی دار ، به چیزهای کوچک قانع مشو ، اینقدر دور خود نگرد ،

به او بسپار و جلو برو . مرد باید عالی همت باشد . حیف است کسی که می خواهد به محضر سلطان السلاطین حضور یابد درراه مثلاً از گدای سر گذر چیزی بخواهد

هر جا غصّه دار شدی استغفار کن. استغفار امان انسان است.

به این کاری نداشته باش که چرا محزون شده ای ، اذیتت کرده اند ؟ گناهی کرده ای؟ بعضی وجود خودشان را گناه می دانند. شما می گویی چرا من درست کار نمی کنم ، او خودش را گناه می داند. محزون که شدی استغفار کن. چه غم خود را داشته باشی و چه غم مؤمنین را ، استغفار غم ها را از بین می برد. همان طور که وقتی خطا می کنی همه صدمه می خورند ، مثلاً وقتی چند نفر کفران نعمت می کنند به همه ضرر می رسد ؛ استغفار هم که می کنی به همه ماسوای خودت نفع می رسانی.

در حدیث است که هشت چیز شما دست خداست : موت و حیات, مرض و صحت, فقر و غنا, خواب و بیداری, چه چیزی می ماند که دست خودمان باشد ؟